

به نام خداوند بخشاینده و مهربان

آیا ریش سنت مؤکد است؟
دکتور محمد فرید یونس

درین اواخر در مطبوعات اجتماعی خواندیم که سطح رهبری کشور تاجکستان برای مبارزه با تندگرایی اسلامی مردم را وادار ساخته است تا ریش شان را بتراشند. برای توضیح این مطلب که آیا ریش سنت مؤکد است و یا خیر، باید به یک سلسله توضیحات دیگر به طور خلاصه پردازیم تا به نتیجه مطلوب برسیم.

تاجکستان در اوایل قرن بیست و یکم همان اشتباه را می‌کند که مرحوم اعلحضرت امان الله در اوایل قرن بیستم کرده بود: تجدد گرایی ظاهری که مردم را مجبور به پوشیدن دریشی میکرد. امروز که نود و پنج سال سپری می‌شود، اکثریت مطلق مردم افغانستان لباس محلی به تن میکنند مخصوصاً در شورای ملی کشور و در پایتخت کشور که همین جنبش مدرنیزه آغاز یافته بود. صد سال گذشت و هیچ‌کس نخواست بداند که این اندیشه، تفکر و ذهنیت است که یک جامعه را تغییر میدهد نه شکل و قواره ظاهری و لباس. سعدی علیه الرحمه چه زیبا گفته است

تن آدمی شریف است بجان آدمیت --- نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
اگر آدمی بچشمست و دهان و گوش و بینی --- چه میان نقش دیوار و میان آدمیت

تعجب من درین است که درین مقطع تاریخ کشور های اسلامی که فقر و بدبختی و بی قانونی تعصب و نیگ نظری ناله میکنند، مسلمانان چه از کشور تاجکستان باشد و یا چه افغانستان باشد، قد اعلم نه می‌کنیم که چگونه جامعه را از بیسوادی نجات دهیم، چگونه ما به جوان خود یک اندیشه فکری سالم دهیم، چگونه با فحشا مبارزه کنیم، چگونه با زن ستیزی که زنان خود را به خاطر بی عدالتی های خانوادگی آتش میزنند مبارزه کنیم و غیره و غیره؛ ما در دنبال مطالب هستیم که نه ما را زیاد تر مسلمان میسازد و نه کمتر. مسئله ریش یکی از آنهاست. بسیار مردم هستند که ریش دارند و اما منافق هستند، زن ستیز هستند، قوم پرست هستند و نادان هستند و بسیار مردم است که ریش ندارد مانند یک ریش دار منافق است، زن ستیز است؛ قوم پرست است و نادان است. و یا بر عکس آن هستند اشخاص که هم ریش دارند و هم مردمان صادق هستند و یا هم ریش ندارند و مردمان صادق هستند. پس ریش هرگز نشانی ایمان داری و بی ایمانی شده نه می‌تواند زیرا از نگاه سایکولوژی یا روانشناسی، دین یک موضوع علمی و اما فکری و عقلی است. قرآن صریح درین بخش سایکولوژی دینی می‌گوید که «یوا خذکم بما کسبت قلوبکم» یعنی (در آنچه بر دل دارید مورد بازخواست قرار میدهد) از همین لحاظ پیامبر (ص) گفته است «الاعمال بالنية» یعنی که (کارها وابسته به نیت است) اعمال شما بستگی به نیت شما دارد. یک شخص مسلمان و اما منافق میتواند به نیت اینکه جاسوسی مسلمانان را کند در گروه مسلمانان داخل شود و برای این منظور ریش بگزارد تا زیاد تر اعتماد مردم را جلب کند. این عمل زشت جاسوسی را بعضی مسلمانان منافق بعد از حادثه یازدهم سپتامبر در امریکا کردند و در خدمت پولیس مخفی بودند. پس دلیل اول که ریش نه میتواند سنت مؤکد باشد همین است زیرا قرآن می‌گوید که مردم را به قلب های شان مؤاخذه میکند و پیامبر (ص) تاکید به ریش ماندن نکرده است و این علماست که آن را مؤکد ساخته‌اند در حالیکه پیامبر (ص)

فرموده است که کار های مردم مربوط به نیت شان است

مشکل عمده درین است که مسلمانان کورکورانه همان چیزی که برایشان توسط گذشتگان گفته شده ، همان را بدون اینکه خود فکر کنند قبول کرده اند. هیچ کس سخنان گذشتگان را زیر سؤال نبرده که آیا راست گفته اند و یا خیر. این را هم میدانیم که شخص دینی هم ، هرگز تحقیق نه می کند و همان مطلب که گذشتگان برایش گفته همان را به دیگر مردم میرسانند حتی که غلط باشد. قرآن درین مورد بسیار قشنگ می گوید « بل تتبع ما الفینا علیہ ابا نا او لو کان ابا وهم لا یعقلون شیاً و لا یهتدون» یعنی (ما از آنچه نیاکامان را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم حتی اگر نیاکانشان چیزی نیندیشده و راهی نیافته باشند بازهم از آنان پیروی می کنند؟) [بقره 170]. این آیه تنها برای آنانی که اجداد شان کافر بودند نیست. این آیه در بحث جامعه شناسی اسلامی حائز اهمیت فراوان است و برای مسلمانان امروزی هم صدق میکند و در هر زمان بالای مسلمان هم می تواند از نگاه جامعه شناسی اثر داشته باشد که نباید از گذشتگان کورکورانه تقلید کرد زیرا گذشتگان میتوانند اشتباه کرده باشند و یا اگر اشتباه هم نکرده باشند ممکن است دید و بینش زمان خود را درج کرده اند که به درد روزگار ما نه می خورد. کورکورانه قبول کردن از نیاکان بدون تعقل و تفکر در امور محوله و روزمره ، نتیجه آنست که بعضی وقت فتوای شان بدون اینکه فکر کرده باشند دور از قرآن و حدیث و سنت است. ملاها هم که اساساً باید مردم را روشن سازند در همین دسته تقلید کنندگان هستند. اقبال لاهوری در مورد ملاها بسیار زیبا می گوید

ز من بر صوفی و ملا سلامی --- که پیغام خدا گفتند ما را

ولی تاویل شان در حیرت انداخت --- خدا و جبرئیل و مصطفی را

اساس غلط فهمی در کجاست؟ اساس غلط فهمی در شناخت سنت و حدیث در رابطه با قرآن است. اول اینکه اشخاص دینی اکثراً سنت را حدیث می گویند و حدیث را سنت. وقتی که می گوید سنت رسول کریم است ، امکان دارد که، آن حدیث باشد. این اشخاص ابدأ اعتراف نه می کنند که یک تفاوت عمده بین حدیث و سنت است. هرگز ندانسته اند و نه می خواهند بدانند که سنت مقید به زمان و مکان است و حدیث مقید به زمان و مکان نیست. طور مثال در زمان رسول الله مبارک در زمان جنگ، خندق حفر کردند تا از هجوم دشمن جلوگیری به عمل آید و این سنت رسول الله (ص) در زمان جنگ است و اما امروز میدانیم که این سنت قابل تطبیق نیست. و یا یک مثال دیگر بیاوریم اینکه جناب پیامبر (ص) دندان های خود را مسواک میکردند تا دندان شان نظیف باشد و با این عمل به امت نظافت دندان را نشان میدادند و اما امروز مسواک تبدیل شده به کریم های دندان که برای نظافت دندان بسیار مؤثر تر است نظر به مسواک. مسواک کردن جای خود را به کریم کردن داده است. نقطه اول اینکه سنت مقید به زمان و مکان است و جنبه عملی در همه وقت نه می تواند داشته باشد زیرا ما با یک زمان دیگر زندگانی داریم. و اما حدیث شکل جهانی دارد. حدیث مقید به زمان و مکان نیست. هر سخن پیشوای اسلام تا ابد جاویدان است. طور مثال فرموده اند که « آموختن علم برای مرد و زن مسلمان فرض است ». تا جهان باقی است این حدیث پا بر جاست. موضوع دیگر معنی اصلی و تعریف سنت است. سنت یعنی روش زندگی و این تنها مربوط پیشوای اسلام نیست. ما در تاریخ اسلام ، طور مثال سنت حضرت عمر (رض) داریم ، و یا سنت حضرت علی (رض) داریم که در زندگی پیاده کردند. طور مثال نماز تراویح به شکل دسته جمعی در ماه مبارک رمضان سنت عمر (رض) است. سنت موکد آن سنت است

که رسول خدا (ص) در عمل خود شخصاً تأکید ورزیده باشد و یا عمل آن مبارک (ص) باعث تقویه ایمان گردد مانند دو رکعت نماز سنت فجر قبل از نماز فرض. ریش باعث تقویه ایمان نه میشود. امروز بسیار دانشمندان اسلامی هستند که ریش ندارند. این دسته بندی ها مانند مؤکد و غیر مؤکد کار علماست. حضرت رسول اکرم (ص) هرگز نگفته است که این عمل من مؤکد است و باید انجام دهید و آن عمل من مؤکد نیست و مهم نیست که انجام دهید. علما موضوع را استخراج کرده اند نه اینکه یک حدیث درین زمینه وجود داشته باشد. رسول خدا بسیار چیز ها را دوست داشت که ما از عهده آن بر آمده نه می توانیم مثلاً خوردن شیر و خرما و یا کم خوری و یا شب ها به عبادت برخاستن. آیا ما قادر هستیم که هر شب برای عبادت برخیزیم؟ کار پیامبر اسلام تبلیغ دین بود و گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک. بعداً علما قصه مؤکد و غیر مؤکد را کشیدند و به جای اینکه کار دین را به مردم آسان کرده باشند آنرا مغلق ساختند. دین برای آسانی امور مردم نازل شده است زیرا دین از مردم است، از یک طبقه خاص به نام دانشمندان نیست

از دید یک مسلمان، قرآن مجید علم است و علم قرآن مکمل است و در هر نقطه که بشر به آن تماس دارد به نحو از انجا در قرآن کریم تذکر به عمل آمده است. به عبارت دیگر هر آن چیزیکه در زندگانی بشر است در قرآن است و آن چیزیکه در زندگانی بشر نیست در قرآن نیست زیرا قرآن برای بشریت نازل شده است و همه مسایل بشری را احتوای میکند. طور مثال قرآن از سیاست، قضاوت، اقتصاد، اصول جنگ، مسایل خانواده، انترپولوزی، سوسیولوژی، ساینس، بیولوژی، سایکولوژی، تاریخ و همه و همه که در زندگانی ما وجود دارد، بحث می کند. از همین لحاظ قرآن به ما مژده میدهد که دین را تکمیل کرده است (الیوم اکملت لکم دینکم).. پس قرآن علم و آورنده آن که محمد (ص) باشد مظهر علم است. چون محمد امین مظهر علم است یعنی از قرآن نمایندگی میکند پس باید اول همه سخنان او مطابق به قرآن باشد و اگر با قرآن مطابقت ندارد، آن سخن از محمد (ص) نیست و حدیث جعلی از همین جا شناسایی میگردد. محمد امین که از دید قرآن رحمت العلمین است هرگز سخنی نگفته که مغایرت با قرآن داشته باشد. حتی منحیث یک انسان و یک فرد اگر چیزی گفته است، برایش الهام شده است تا در شخصیت او هیچگونه صدمه اجتماعی وارد نشود و به مغایرت با قرآن قرار نگیرد و از همین لحاظ مبارک معصوم بود

گفتیم که قرآن علم است و سنت پیامبر بایست با قرآن مطابقت داشته باشد و چون در شریعت اسلامی قرآن مرجع اول قانون است هر آن موضوع و مطلب که با قرآن مطابقت ندارد و یا خلاف قرآن قرار میگیرد، آن موضوع یا باطل است و یا نه میتواند سنت مؤکد شود. یک حدیث در دست نیست که رسول خدا (ص) گفته باشد ای مردم ریش تانرا نتراشید که سنت من است. بلی همه انبیاء (ع) ریش داشتند. خود رسول کریم (ص) ریش داشت و یا در یک حدیث میخوانیم که ریش را «دوست دارم» و این یک عرف حسنه حساب می شود نه اینکه سنت مؤکد باشد زیرا قسمیکه گفتیم باعث تقویه ایمان نه میشود. رسول کریم (ص) گیسوی بلند هم داشت. و اما مذهب یون سر خود را می تراشند و ریش را نی. پیشوای اسلام (ص) نه میخواست مردم مانند یهودان ریش بیباک داشته باشند و توصیه میکرد که مردم ریش خود را اصلاح کنند. همچنان مبارک گیسوی قشنگ داشت پس چرا مردم این سنت «مؤکد» را نهی میکنند و موی سر خود را می تراشند در حالیکه رسول اکرم (ص) همیشه گیسوی بلند داشت؟ تنها به خاطر مناسک

حج عمره؟ که بعد از عمره مبارک قربانی ذبح کردند و سر شانرا تراشیدند و دیگر در همه وقت گیسو داشتند

یک حدیث متفق علیه فوق العاده مهم دیگر درین مورد از پیشوای اسلام به ما رسیده است که در مسلم و بخاری نقل قول شده است که کار ما را مطلق حل میکند، خدمت شما پیشکش می‌کنم که این حدیث نه تنها سنت مؤکد بودن موضوع را مطلق از بین می‌برد حتی سنت بودن ریش را ضعیف میسازد. در حدیث میخوانیم که «ان الله لا ينظر الى صوركم و اموالكم و لكن ينظر الى قلوبكم و اعمالكم» یعنی خداوند به صورت‌های شما و ثروت و دارایی شما نظر نه می‌افکند اما به قلب‌های شما و کارهای شما نظر می‌اندازد

این حدیث به مطابقت آیه مبارکه بالا ست که تذکر داده شد. این حدیث هرگونه ریا کاری، منافقت و دو رویی و خود سازی و تکبر را نغیه میکند. هیچ مهم نیست که ریش داری و یا نداری. ثروت و جاه و مقام داری یا نداری، نیت تو در کارها و قلب پر نورت برای خداوند مطرح است. حدیث فوق به اصطلاح وطنی قصه سنت مؤکد را مطلق «مفت» میسازد و سنت بودن آنرا ضعیف زیرا ایمان واقعی به قلب است نه به ظواهر در بالا دیدیم که چون دین یک موضوع فکری و قلبی است، ریش نه می‌تواند سنت مؤکد باشد. یعنی نه می‌تواند انسان ساز باشد و ازین لحاظ نه می‌تواند پایه ایمان‌داری محسوب شود.

از نگاه علم بیالوژی هم، ریش نه می‌تواند سنت مؤکد باشد زیرا انسان‌ها از نگاه نژادی به تفاوت خلق شده اند اما در خلقت انسان که همه از دید قرآن از خاک آفریده شده، همه موزون، از نفس واحد و خون بسته آفریده شده است، یگانگی وجود دارد زیرا کلمه انسان استفاده شده است. تفاوت‌های نژادی حکمت پروردگار است. اگر کسی کمتر مو دارد و نه می‌تواند ریش داشته باشد به این معنی نیست که در خلقت او عیب و نقص است. خلقتش همانگونه است. تشکل هورمونی انسان‌ها متفاوت است. یکی ریش انبوه دارد و یکی ندارد. سنت وقتی مؤکد شده می‌تواند که همه آنرا بتوانند تطبیق کنند و داخل ثواب شوند. مسأله خلقت جدا از سنت و روش زندگی است. اگر ما موضوع خلقت انسان را با سنت و یا روش زندگی پیامبر ارتباط دهیم العیاذ بالله عدالت خداوند را در خلقتش زیر سوال می‌بریم.

با دلایل فوق ریش برای مردان یک عرف حسنه پیشوای اسلام است نه اینکه سنت مؤکد باشد زیرا دین یک موضوع فکری و عقلی است. اگر کسی ریش دارد و به نیت اینکه پیشوای اسلام ریش داشت در صورتی که از دروغ، نفاق، خشم، تکبر، و خود خواهی و همه اعمال بد دوری کرده باشد، شاید ثواب گیرد و اگر ریش دارد و در انواع فساد غرق است ریشش به دادش نه می‌رسد. کشور های اسلامی زمانی میتوانند ازین همه تنگ نظری، تعصب و تبعیض بیرون رود تا یک دسته از دانشمندان متبحر اول قرآن مجید را نظر به ایجابات عصر تفسیر کنند و دوم احادیث پیشوای اسلام باز رسی کنند و سنت و حدیث را تفکیک کنند و دوباره یک کتاب حدیث را پیشکش مردم کنند تا مردم با فرهنگ ناب محمدی یک زندگی آسوده داشته باشند و نظام‌های سیاسی موفق شود به جای ظاهر سازی اندیشه سازی کند

دکتر یونس استاد بشر شناسی خاور میانه و فلسفه اسلامی در دانشگاه ایا لتی کلیفورنیا ایست بی ایفای وظیفه می‌کند